

گامنامه دانشجویی

# امیر

سال دوم، شماره چهارم، اردیبهشت ۹۹



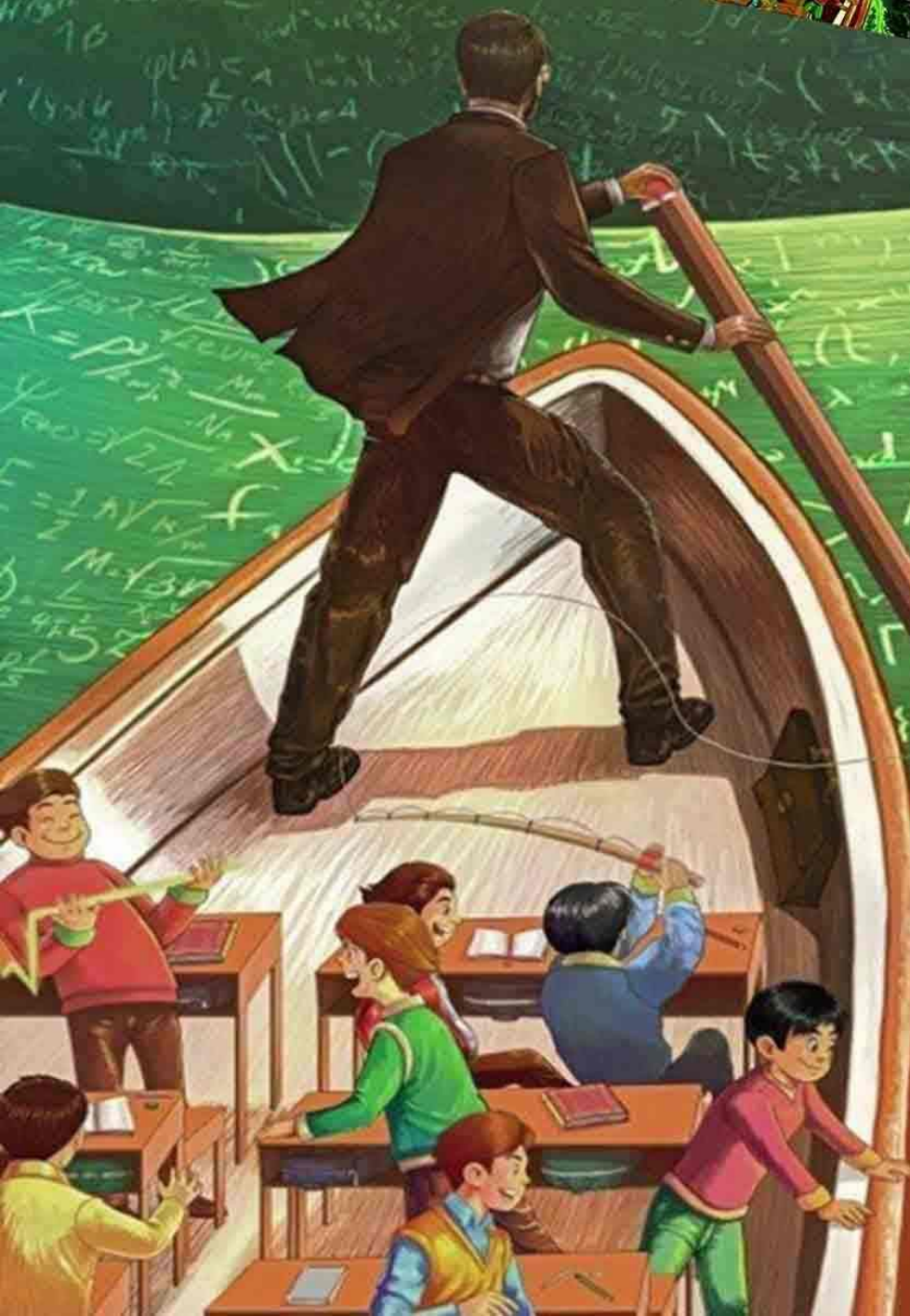
مرد و نگاه شه

معلم و تمدن نوین اسلامی

منزلت معلمی

بند و اندرز های رش سفید دانشگاه فرهنگیان

تذکره التحریریه فی النشریه اللاحجریه





# سردبیر

یکی از چیزهایی که در آموزش و پرورش خیلی مهم است، همین دانشگاه فرهنگیان است؛ همین که این جوان های عزیزمان، [یعنی] دانشجو معلم ها، آنجا هستند. این بسیار مهم است. هر چه می توان باید برای این مجموعه سرمایه گذاری در توسعه کمی و کیفی کرد؛ با همان معیار های متعالی که برای معلم لازم است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳ اردیبهشت ۹۵

## فصل دروس

- ۱ ..... ستن سردبیر
- ۱ ..... شناسنامه
- ۲ ..... پند و اندرز های ریش سفید دانشگاه فرهنگیان
- ۳ ..... پایه ریزان تمدن نوین اسلامی
- ۴ ..... تذکره التصریه فی النشریه [اللاکبریه]!!
- ۵ ..... همکام با بسیج دانشجویی پردیس امام محمد باقر علیه السلام
- ۷ ..... معیشت یا منزلت؟
- ۸ ..... کنکاشی در فیلم آن بیست و سه نفر
- ۹ ..... توصیه های تغذیه سالم
- ۱۱ ..... کتاب کلاه رئیس جمهور
- ۱۲ ..... انتظار یا انفعال؟!
- ۱۳ ..... قتنه های آخرالزمان



## راه های ارتباطی

**سردبیر:** @SeyedM\_SM  
**کانال مجازی بسیج:** @Basiij\_DFB  
**وبلاگ نشریه:** www.sarirdfb.blog.ir



# سخن سرلابیر

به نام معلمی که در مکتب آفرینش با حکمت نامحدودش به کلیه مخلوقات راز زندگی آموخت. **صریر یک ساله شد...**

از این نشریه، با همراهی شما به نظاره نشسته ایم. در طول این یک سال همت و تلاش صریر بر آن بود که در جهت ارتقا بینش و آگاهی دانشجویان گام برداشته و اندیشه مخاطبانش را به سمت پیمودن هزارتوی فکر و خیال سوق دهد. رسالتی بس سنگین که فعالیت به عنوان عضو کوچکی از شجره طیبه بسیج بر سنگینی آن افزود. افتخار صریر همراهی با نام مقدس بسیج در این میدان جهاد علمی بوده و هست. از طرفی سالگرد صریر با هفته معلم عجین شده است. بر خود واجب می دانم از مقام والای معلم در این مجال اندک سخن بگویم. هر چند واضح است که هیچ یک از ما یارای بیان عظمت و بزرگی مقام معلم را درخور شأن واقعی آن نخواهیم داشت. سی سال گفتن و نوشتن، اندوختن و آموختن، افروختن و خود سوختن تنها هنر آنانی است که همسایه آتش و آفتاب و آشنای آسمان و شعله و شراره اند. در پایان ضمن تشکر صمیمانه از تمامی دوستانی که در طی این یک سال همراه صریر بودند، آمادگی صریر را برای دریافت نظرات و پیشنهادات شما بزرگواران اعلام می کنم. در پناه حق.



سازگ یارا:

سید محمد موسوی

مدیر مسئول:

حامد رحیمی

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه  
فرهنگیان خراسان شمالی  
پرریس امام محمد باقر (ع)

مهرشاد گریوانی،  
مهدی محمدخواه،  
ولی... محمودیان،  
سید سجاد موسوی،  
سید محمد موسوی

هیئت تحریریه:

محمد آذری،  
سجاد اسعدی،  
محمد الهامی،  
حامد رحیمی

مدیر هنری:

سجاد اسعدی

طراح:

سید محمد موسوی

# تستنامه





# پند و اندرز های ریش سفید

## دانشگاه فرهنگیان

نویسنده: سجاد اسعدی. علوم تربیتی ۹۵

سلام، به سلام ویژه خدمت دوستای گلم. احتمالا این آخرین متنی هستش که دارم براتون می نویسم که قراره توی نشریه صریح چاپ بشه از این به بعد از دست من خلاص میشید. 😊



دسته جمعی، تجربه دعوا برای اینکه کی بره از طبقه پائین آبخوش بیاره 😂، تجربه ۳ روز تو راهروهای خوابگاه دنبال بالشتتون گشتن رو از دست ندید. 🙄

**پنجم:** در این چهار سال سعی کنید حتما عضو تشکل ها، انجمن ها و کانون های فرهنگی هنری بشید، فعال باشید و مسئولیت قبول کنید، تجربه های خیلی خوبی رو کسب می کنید که نه تنها تو دوران معلمی مفیدن، بلکه بعضی هاشون به درد زندگیتون هم میخورن.

**ششم:** و اما کارورزی، یکی از واحد های بسیار ضروری و تاثیر گذار تون همین کارورزیه که این چند تا نکته میتونه کمکتون کنه تا بیشتر ازش بهره ببرید:

\* بعد از حضور در مدرسه سعی کنید به وسیله مشورت با مدیر و معاون های مدرسه بهترین و با تجربه ترین معلم رو به عنوان معلم راهنما انتخاب کنید. ممکنه یک معلم خوب مسیّر ۳۰ ساله خدمتتون رو عوض کنه.

\*\* یک دفترچه تهیه کنید و از روز اول کارورزی نکات جالب و مدنظر خودتون رو توش یادداشت کنید، شک نکنید که بعد از فارغ التحصیلی حتما به دردتون میخوره.

\*\*\* سعی کنید علاوه بر فعالیت های آموزشی مثل تدریس و حضور در کلاس، با استادتون هماهنگ کنید و توی کار های اداری به مدیر و کارکنان مدرسه کمک کنید کارها و روال اداری مسائلی هستند که در هیچ واحد آموزشی یاد نخواهید گرفت. 😊  
مجال پرحرفی نیست امیدوارم براتون مفید بوده باشه.

**پیروز و سربلند باشید**

بنده سجاد اسعدی هستم به ترم بالایی که میخواد قبل وداع به سری نصیحت خدمت شما ترمکای گل 😎 ... اا ببخشید... ترم پایینی های عزیز داشته باشم امیدوارم براتون مفید باشه.

**اول:** نشریه صریح رو همیشه بخونید ... 😊 😊

**دوم:** تک بعدی نباشید، شما چهار سال در این دانشگاه درس میخونید که به ظاهر فرصت زیادیه ولی اگه غافل باشید مثل به چشم به هم زدن تموم میشه و شما میمونید و حسرت اینکه چرا از وقتتون خوب استفاده نکردید؛ تو این مدت هر طوری شده سعی کنید هنر یا مهارتی رو یاد بگیرید حالا چه بهتر که این هنر در مسیر معلمیتون باشه. برای مثال این زمینه ها میتونن جالب و مفید باشن: نویسندگی، روانشناسی، بازیگری، فن بیان و سخنوری، طراحی و گرافیک، عکاسی و تصویربرداری، رشته های ورزشی و...

**سوم:** در این چهار سال غصه هر چیزی رو بخورید الا نمره و معدل! 😊 زیادی خوش به حالتون نشه. منظورم اینه که به جای اینکه نگران نمره الف شدن باشید سعی کنید واحد های ضروری رو خوب خوب یاد بگیرید چون با به شغل تخصصی و سخت مواجه هستیم و بهتره به جای غافلگیر شدن تو روز اول مدرسه از الان کارمون رو جدی بگیریم (میدونم کلیشه ایه ولی خب واقعیته 😊)

**چهارم:** اگر از اون دسته از دانشجو معلمانی هستید که زندگی خوابگاهی رو تجربه نکرده پیشنهاد می کنم حتی برای یک ترم هم که شده خوابگاه بمونید تا لذت گپ و گفت های شبانه، بازی های

# پایه ریزان تمدن نوین اسلامی

نویسنده: مهرشاد گریوانی  
 علوم تربیتی ۹۷



درواقع انذار رسولان زمان ، مانند چکیدن قطره ای بر صخره سخت و قوی هیکل تاریخ است ؛ شاید یک قطره تأثیرش ناقابل باشد اما مطمئنا اگر تبدیل به ۱۲۴ هزار قطره ای شود که هر کدام تجلی توحید و ربوبیت هستند، به غایت نهایی خود خواهند رسید ، حتی اگر قرار باشد فاصله بین دو حکومت اسلامی ، هزار و چهارصد و اندی سال طول بکشد.

حال، می خواهیم لحظه ای به تفاوت های جایگاه یک «معلم» با جایگاه یک «رسول» بیاندیشید ... چطور نمی توان معلم را هم برگزیده خداوند دانست برای تربیت همان نهال های ثمربخشی که در سیطره درختان خشکیده و متروک زمانشان هستند...؟

آری... معلم نیز یک رسول است. معلم ، ویتربین دُکانیست به نام جامعه؛ نه از آن جهت که در معرض دید است ، بلکه از آن جهت که تجلی فرهنگ و دیانت درون مایه آن دُکان به حساب میاید. معلم ، برانگیخته شده است تا با آموزش به تک تک عناصر جامعه، نقش کارخانه انسان سازی را بازی کند؛ یا بهتر بگوییم ، تبدیل به کارخانه انسان سازی شود. پایه ریزی یک تمدن نوین اسلامی آنهم توسط یک معلم، به هیچ وجه یک شبه محقق نمی شود؛ نیاز به تلاش دارد، نیاز به مطالعه سخت دارد؛ نیاز به «اینار» دارد. باید توجه داشت که بخشی از مطالعاتی که یک معلم یا دانشجو معلم انجام میدهد ، حتما و حتما باید خارج از دستگاه تعریف شده (یا تحریف شده!) آموزش و پرورش باشد در واقع اگر انتقال محتوای مطالعاتی یک معلم به دانش آموزانش ، با کمی رفتار سازنده همراه گردد ، می شود گفت که آن کارخانه انسان سازی دارد وظیفه اش را به درستی انجام می دهد و حال باید منتظر باشد و ببیند آن نهالی که قرار بود با میوه هایش در آینده ، سازنده تمدن اسلامی شود ، چگونه رشد می کند و به بار می نشیند.

مقام معظم رهبری : معلمان، پایه ریزان تمدن نوین و جهادگران در میدان کارزار با جهل و بی سوادی هستند که برای جامعه و نسل جوان آن، هویت سازی فرهنگی می کنند.

شاید این جمله مقام معظم رهبری جایی به گوشتان خورده باشد یا هم خیلی گذری، در تیترو روزنامه ها به چشمتان افتاده باشد؛ ولی به راستی، تا به حال معلم یا دانشجو معلمی به خود اجازه ساعتی نامل در این جمله را داده است؟ وقتی می گوئیم معلم می تواند پایه ریز تمدن نوین اسلامی باشد، دقیقا از چه ویژگی شغل معلمی سخن به میان می آوریم؟ چگونه برای ایجاد یک تمدن، معلمان می توانند برای زیربنای آن کافی باشند؟ انبیاء علیهم السلام از ابتدای خلقت وظیفه انذار و تبلیغ داشته اند اما در نگاه اول این سوال در ذهن مخاطب پیش می آید که آنها که همیشه توسط مردمان زمانشان به شهادت رسیده اند، پس دقیقا چگونه می شود که تشکیلاتی که برهم می زنند، روزی پاسخ مثبت به دعوتشان بدهد؟ به راستی آیا کار پیامبران دویدن بر تردمیل تاریخ نبوده است؟

دقیق تر که به موضوع بنگریم می فهمیم آنها، جامعه پیش رویشان را با رساندن محتوای یکتا پرستی اغنا می کردند، به سوالاتشان پاسخ می دادند و تمسخر آنها را تحمل می کردند و این همه رنج فقط و فقط به خاطر این بود تا اگر نهالی ثمربخش در میان آن درختان خشکیده و متروک وجود داشته باشد، سبز شود، رشد کند و میوه بدهد. آری ، مغالطه این بحث، همان جایی بود که گفته شد انبیا را مردمان زمانشان کشتند، بدون اشاره به این موضوع که میان آن مردمان تهی از تفکر و درک ، افراد حق پذیر و ثمربخشی هستند که علاوه بر دریافت حق، راه انبیاء را نیز به آیندگان برسانند و این تشکیلات مخفی که در دل تاریخ ریشه دوانده را روزی به ایجاد یک تمدن توحیدی تبدیل کنند.

و البته باید یاد آور این نکته بود که اگر رسولی به رسالت خود که همان تعلیم و تزکیه است، به درستی عمل نکند، ممکن است عاقبت ، همچون یونس [علیه السلام] در شکم نهنگی گرفتار شود چرا که تقدیر الهی بر مبنای حکمت چیده شده است و خداوند حکیم، منتقم فردی خواهد بود که در برابر رشد بندگانش صبر و تحمل کافی نداشته باشد. البته نباید از دو مانع بزرگ برای رشد بشریت که همواره در طول تاریخ گریبان گیر انبیاء نیز بوده اند غافل شد ؛ مانع اول کسانی هستند که به غلط ، خود را نبی و فرستاده خداوند معرفی میکنند تا با تبدیل شدن به یک الگوی غلط ، جامعه را نیز به فساد بکشانند و مانع دوم، فرعونیان زمان که همواره کاری جز جولان دادن در زمین و سنگ اندازی بر مسیر انبیاء نداشته اند. این دو مانع ، دلیل اصلی به درازا کشیده شدن تاریخ هستند و این سنت الهیست که همواره عده ای به حق دعوت کنند و عده ای از حق بازدارند؛ چرا که این دو بدون یکدیگر معنا پیدا نمی کنند. و تطبیق این موانع در عصر حاضر ، باشد بر عهده خودتان... کلام آخر اینکه امیدوارم در انتهای عمر رسالت معلمی خود، وقتی به گذشته خود نگاه می کنیم ، احساس نکنیم خود ، همان مانع اول بوده ایم...



همزمان با یک سالگی صریر، مکالمه لو رفته هیئت تحریریه نشریه دانشجویی صریر را منتشر می کنیم!

**\*دبیر علمی:** طبق مطالعات و پژوهش های فشرده، بنده به این نتیجه رسیدم که سطح علمی دانشگاه به جایگاه رفیعی صعود کرده و زبانزد خاص و عام شده. ناگفته نمونه که حضور برخی از اساتیدی که اینجا رو با مدرسه ابتدایی و حتی کودکان اشتباه گرفتن هم به سیر صعودی جایگاه علمی دانشگاه کمک شایانی کرده. مورد دیگه، ارائه درس های مجازی و تنها برگزاری ۴ جلسه حضوری هست که از موفقیت های بی نظیر علمی دانشگاه فرهنگیان در این مدت بود. البته از همون ۴ جلسه حضوری، دانشجویان تنها یک بار رنگ استاد رو دیدن که تازه همونم به دلیل شلوغی بی اندازه کلاس، بیشتر شبیه سایه بود و بعدش هم تموم! از کیفیت همون یک جلسه هم که هر چقدر بگم باز هم کم گفتم. خلاصه اینطوری شد که دانشجویان در یک جلسه، ۲ واحد آموزشی رو پاس شدن! این دستاورد عظیم رو به خانواده بزرگ دانشگاه فرهنگیان کشور تبریک عرض می کنم.

**\*دبیر مذهبی:** به نام خدا. خداوند متعال رو شاکرم که توفیق صحبت در حضور شما رو به بنده حقیر عنایت فرمود. بنده لازم می دونم از تمامی دانشجو معلمان عزیز بابت حضور پرشور و گسترده در صف های دشمن شکن نماز جماعت کمال تشکر و قدردانی رو داشته باشم. و من ا... توفیق.

**\*دبیر پزشکی-سلامتی:** طبق بررسی های انجام شده، متوجه شدم که در آب آشامیدنی دانشگاه مقدار زیادی املاح، ذرات سنگین، گچ و... وجود داره. بنابراین با مشورتی که با مدیر مسئول و سردبیر نشریه داشتم تصمیم بر این شد که نشریه صریر با شرکت سیمان بجنورد قراردادی رو امضا کنه که بعد از فارغ التحصیلی، دانشجویان سنگ کلیه هاشون رو پس از دفع به این کارخونه بسپارن و در عوض مبلغی رو در مقابل این کار دریافت کنن.

**\*دبیر هنری:** وای چقدر مدبرانه! ببخشید اگه سنگ کلیه مون تبدیل به قلوه سنگ شده بود، باز هم می توینم در این طرح شرکت کنیم؟

بحث ادامه داشت که سردبیر وارد شد و به سمت آن ها حرکت کرد. با حضور سردبیر در جمع آن ها بحث بسیار محرمانه شد و از رسانه ای کردن مابقی گفت و گوها معذوریم.

**\*مدیر مسئول:** خدایکوت به همه شما عزیزان. دوستان همونطور که در جریان هستید در آستانه هفته معلم هستیم که البته اولین سالگرد انتشار صریر هم هست.

**\*دبیر ادبی:** کوس ماند به کمان فلک اما عجب آنک \*\*\*  
زو صریر قلم تیر به جوزا شنوند (خاقانی)

**\*دبیر هنری:** وای چقدر رمانتیک!

**\*دبیر علمی:** طبق محاسبات بنده، در این لحظه ۳۶۵ روز و ۷ ساعت و ۵۹ دقیقه و ۵۸ ثانیه ست که از عمر صریر میگذره. با این حساب عملاً ما یک سالگی صریر رو رد کردیم و عدم حضور حدود ۸ ساعت و ۴۵ ثانیه ای سردبیر، نشان از رخدادی هولناک در آغاز دومین سال صریر داره. از ما گفتن بود...

**\*دبیر پزشکی و سلامتی:** چقدر ترسناک! جزایر لانگرهانسیم دچار رعشه شدن! این رخداد هولناک رو که گفتی، میشه بیشتر تشریح کنی برامون؟

**\*مدیر مسئول:** آقای دبیر علمی! عدم حضور سردبیر به خاطر مسائل مربوط به طراحی و چاپ نشریه ست. الان هم داره بر میگردد. شایعه درست نکن لطفا!

**\*دبیر فرهنگی:** آقایون گذشته از این حرف ها، با توجه به مسئولیتی که در نشریه بر عهده من هست، لازم میدونم که به سری گزارشاتی رو از سطح فرهنگی دانشگاه مون به استحضارتون برسونم. از وقتی که من دبیر فرهنگی این نشریه شدم، سطح فرهنگی دانشگاه رشد قابل ملاحظه ای داشته. افزایش ساعات مطالعه؛ به طوری که در شب امتحان دانشجویان تا کله سحر بلکه تا چند ثانیه مونده به شروع امتحان سر شون تو کتاب هاشونه، افزایش بی سابقه پرسه زنی در فضای مجازی که نمونه ای والا از استفاده حداکتری از تکنولوژی روز هست، رعایت بی نظیر بهداشت محیط در سلف و خوابگاه و پاکیزگی مثال زدنی حمام و سرویس های بهداشتی و... تنها گوشه ای از دستاورد های مسئولیت بنده بود.

**\*دبیر سیاسی-اقتصادی:** در خصوص حوزه فعالیت من، طبق اطلاعات بدست اومده، گشایش های اقتصادی قابل توجهی بعد از مسئولیت من در این دانشگاه حاصل شد. از پرداخت عیدی به دانشجو معلمان گرفته تا تشکیل کمپین های بی شمار اعتراض به کسر ۴۵ درصد حقوق و... که همه و همه در حوزه اقتصادی هستند. البته در بخش سیاسی با توجه به عدم توفیق سیاسی کشور در سطح کلان، چندان دستاوردی نداشتیم و تمام تمرکز من روی این بود که به سوالات دانشجویان پاسخ بدم. سوالاتی از قبیل: کلابی های برجام بعد از ۴ سال دقیقا کجان؟ مگه امضای کری تضمین نبود؟ پس چی شد؟ دنیای امروز دنیای مذاکره است نه دنیای موشک ها! پس چرا سردار مارو در عراق با موشک ترور کردن؟

**\*دبیر فرهنگی:** بحث رو سیاسی نکنید لطفا!



# همگام با بسیج دانشجویی پردیس امام محمد باقر(ع)

نویسنده: سید سجاد موسوی

علوم تربیتی ۹۷

موظف است تمرکزش را بر امور تربیتی قرار بدهد. موظف است جان تشنه انسان هارا سیراب کند. البته اولاً تربیت روح و جان انسان ها وظیفه تک تک بسیجی هاست چه معلم چه پزشک و... اما صحبت حقیق در این مسئله است که تعلیم و تربیت به صورت اختصاصی وظیفه معلم بسیجی است. ثانیاً حقیر اصلاً در مقام کوچک نشان دادن کارهای دیگر رفقای بسیجی نیستم می خواهم بگویم جهت گیری بسیج در دانشگاه فرهنگیان نباید صرفاً برگزاری راهیان نور و... باشد بلکه راهیان نور هم در این نگاه، خودش وسیله ای است برای آن هدف مقدس؛ راهپیمایی اربعین راهی است برای رسیدن به آن مقصد؛ اگر در وسایل و اسباب متوقف شویم هرگز به مقصدمان نخواهیم رسید. بسیج دانشجویی فرهنگیان قرار نیست بارهایی را که دیگران برداشتند دوباره بردارد. قرار نیست در راهی که دیگران هم رفتند دوباره برود. این مجموعه وظیفه دیگری بر دوشش نهاده شده باید قدم در راه دیگری بگذارد که در ظاهر شاید بی عملی باشد اما در باطن عین عمل و فعالیت است. خدمت به روح و جان انسان ها تکلیفی است بر دوش دانشجو معلمان بسیجی البته این به معنای این نیست که دانشجوی بسیجی معلم به بهانه کار تربیتی، کارهای بسیار خوب دیگر از قبیل کارهای جهادی و... را تعطیل کند همچنان که در سال اخیر چنین اتفاقی نیفتاد و مجموعه بسیج فرهنگیان در کنار سایر بسیج های دانشجویی و همپای آن ها در اردوهای جهادی شرکت داشت.

کلمه بسیج در درونش مفاهیم متعددی نهفته شده؛ ایثار و فداکاری و شجاعت و حضور موثر در صحنه و دلسوزی برای مردم و... بسیجی یعنی تبلور و تجلی همه این ها؛ بسیج یعنی مجموعه ای از افراد دغدغه مند و مسئولیت پذیر که بر اساس حیطة دانش و مهارت و علاقه شان به مردم بدون منت تاکید می کنم، بدون منت خدمت می کنند. از سیل و زلزله و کرونا گرفته تا اردوهای جهادی و کلاس های آموزشی و... قسمت مشترک همه این فعالیت ها؛ روحیه ایثار و دلسوزی و خدمت صادقانه به مردم است بسیج مساجد به گونه؛ بسیج دانش آموزی به گونه ای؛ بسیج پزشکی به گونه ای و... همه و همه مشغول ارائه خدمت هستند. اما در بین انواع سنین مختلف که افتخارشان بسیجی بودن است قشر دانشجو ممتاز است؛ چون هم شور و هیجان دارد، هم قدرت و توانایی کار، هم نوآوری و ابتکار؛ همچنین در بین انواع مختلفی از خدماتی که می شود به جامعه ارائه داد؛ خدمت فکری و تربیتی از انواع دیگر خدمات مهم تر به شمار می آید چون فکر و تربیت مربوط می شود به روح انسان ها؛ و شرافت روح بر بدن امری بدیهی است.

حال وقتی مفهوم بسیج؛ با مفهوم دانشجو و مفهوم تعلیم و تربیت گره می خورد؛ عرصه ای به وجود می آید که فقط انسان هایی که توانایی فکر بلند مدت را دارند و دنبال نتیجه سریع نیستند می توانند در آن وارد شوند و خدمت کنند. با کمی تأمل می توان فهمید کسانی که در این عرصه وارد می شوند چه مسئولیت خطیری بر دوششان است. بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مثل سایر بسیج های دانشجویی یک سری وظایف عامی دارد از قبیل اردوهای جهادی و راهیان نور و راهپیمایی اربعین و امثالهم؛ این ها به جای خود بسیار مهم اند و حیاتی، اما مسئله اینجاست که برای بسیج دانشجویی فرهنگیان این همه کار نیست؛ اگر دانشجو معلم بسیجی تمام همتش را صرف این مسائل کند فقط بخشی از وظایفش را انجام داده است. وظیفه ای که بر دوش دانشجوی بسیجی معلم نهاده شده فراتر از این حرف هاست. او موظف است به روح و جان انسان ها خدمت کند.



خلاصه باید در سه کلمه بسیج، دانشجو و تعلیم و تربیت بیش از این تامل کرد و عمیق تر ارتباط آن هارا یافت؛ تا ندانیم کجا هستیم هیچ وقت نوبت به این نمی رسد که فکر کنیم به کجا باید برسیم و چگونه باید برسیم. اما در این سالی که گذشت حقیر با جمعی از رفقای دغدغه مند آشنا شدم و به آن ها زحمت دادم؛ جمعی دوستانه که بدون چشم داشتی مشغول فعالیت در این عرصه مهم شدند و هریک سهم خود را به خوبی انجام دادند. ما ماموریت خود را فهمیدیم و براساس اهدافی که داشتیم دور هم جمع شدیم. اما پایان سال تحصیلی به معنای پایان فعالیت ها و ماموریت های این جمع صمیمی نیست. بلکه ما تازه خودمان را یافتیم و هنوز در ابتدای کار هستیم. ماییم و هزاران بار روی زمین مانده... هنوز قطعا کسانی هستند که دغدغه تربیت دارند، دغدغه فرهنگ دارند و فهمیده اند که برای همین زندگی عادی آفریده نشده اند؛ ولی ما هنوز موفق به دیدارشان نشدیم. کوتاه کلام این که اگر شما هم دغدغه مندید، اگر درد تعلیم و تربیت دارید و ما شما را نمی شناسیم؛ از زیارت تان خوشحال می شویم.

اما سخن اینجاست که این امور نباید ما را از هدف اصلی غافل کند. حال که وظیفه اصلی را فهمیدیم چگونه در این راه قدم بگذاریم؟ پاسخش با کمی تامل واضح است. اگر کسی رشد نکرده بود نمی تواند به رشد برساند. اگر ما وظیفه مان را تربیت روح می دانیم، تا خودمان تربیت نشده باشیم، نمی توانیم دیگران را تربیت کنیم. آن کسی که خودش چیزی را نچشیده چطور می خواهد به دیگری بچشاند؟ براین اساس؛ دانشجویانی که هر سال می خواهند قدم در این تشکیلات بگذارند ابتدا باید هدف نهایی را بدانند. باید بدانند قرار است به کدام سمت حرکت کنند تا در میان فعالیت ها؛ ناگهان دچار عمل زدگی نشوند. ثانیاً بعد از درک هدف مجموعه، باید قدم در راه تربیت خویش و خودسازی بگذارد تا کم کم وارد فرایند جامعه سازی هم بشود. این روند باید هر سال در بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان رقم بخورد تا در سال های آتی، شاهد نسلی باشیم که همچنانی که مشغول خویش اند؛ مشغول دگر سازی هم شده اند؛ مشغول تغذیه فکری و روحی اطرافیان خودشان اند؛ این ها که انجام شد خدمت به جسم و دنیای دیگران هم رنگ و بوی دیگری پیدامی کند و ارزشش چندین برابر می شود.





در برابر کسی که از او دانش می آموزید فروتن باشید.



# معیشت یا منزلت؟

نویسنده: حامد زمیمی  
علوم تربیتی ۹۵

شاید شما هم مثل خیلی از معلمان و دانشجوی معلمان این سوال ها را در ذهن خود داشته اید که چرا معلمان در جامعه از وضع معیشتی و منزلتی مطلوبی برخوردار نیستند؟ و یا اینکه معیشت معلمان در جامعه مهم تر است یا منزلت آنان؟

وقتی به وضع معلمان در جامعه نگاه می کنیم، می بینیم منزلتی که یک معلم به عنوان تربیت کننده نسل آینده دارد بسیار پایین تر از حد انتظار است. اغلب مردم جامعه از حرفه معلمی فقط تعطیلی های آن را به یاد دارند و همیشه این نکته را به ما یادآوری می کنند که معلمان ۹ ماه کار میکنند اما ۱۲ ماه حقوق می گیرند. برای رسیدن به پاسخ این سوال که چرا مردم جامعه، حرفه معلمی را آنگونه که باید جدی نمی گیرند کافی است سری به آخرین اخبار مربوط به فرهنگیان بزنیم. چند درصد این اخبار به بیان ارزش حرفه معلمی پرداخته اند؟ چند درصد آنها در جهت حفظ منزلت معلم بوده است؟

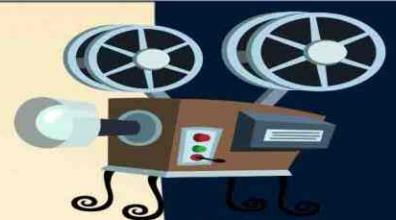
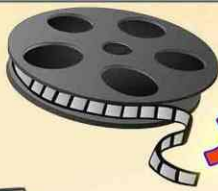
ثمونه این اخبار را می توان خیر افزایش ۵۰ درصدی حقوق معلمان دانست. با وجود اینکه حقوق تمام کارکنان دولت ۵۰ درصد افزایش یافت اما بازتاب آن برای معلمان بسیار بیشتر از سایر کارکنان دولت بود! و یا خیر افزایش میانگین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومانی فرهنگیان که توسط جناب آقای ترکمن محترم مطرح شد. خیر رتبه بندی معلمان نیز همیشه در صدر اخبار است و در طول سال چند بار معلمان را رتبه بندی می کنند! می بینید اکثر اخبار مربوط به فرهنگیان ختم به حقوق آنها می شود و خبری که به تشریح مقام معلم و بیان حساسیت این حرفه برای ساختن آینده کشور بپردازد کمتر دیده می شود.

در اینکه حقوق معلمان پایین است و معلمان باید در پی احقاق حقوق مادی خود باشند هیچ شکی وجود ندارد؛ اما آیا حقوق بالا لزوماً منزلت معلم را تأمین می کند و بالا می برد؟ حقوق دانشجوی معلمان در یک سال اخیر افزایش چشمگیری داشته است اما آیا احترام آنها در بین مسئولین دانشگاه بیشتر شده است؟ همانطور که می بینید جواب خیر است. معلمان بیشتر از آنکه پیگیر حقوق مادی خود باشند باید حقوق معنوی خود را دنبال کنند. بی شک با بالا رفتن منزلت معلمان در جامعه، راحت تر می توان آنها را به حقوق مادی خود رساند.

اما اینکه چرا معلمان منزلت پایینی دارند، به جز اخبار فرهنگیان دلایل دیگری نیز دارد. یکی از این دلایل بی توجهی خود معلمان و فرهنگیان به منزلت و شان این حرفه است. این موضوع را می توان در نحوه کزینش و آموزش دانشجوی معلمان توسط مسئولینی که خود فرهنگی هستند و همچنین در برخورد با فرهنگیان در اداره ها و محیط هایی که کارکنان آن خودشان فرهنگی هستند به خوبی مشاهده کرد. به نظر من همانطور که برای رسیدن به حقوق مادی معلمان باید خودشان دست به کار شوند، برای بالا رفتن منزلت معلمان نیز باید خود معلمان پیش قدم شوند و شروع کننده این کار باشند در مرحله اول باید خود معلمان و فرهنگیان به این باور برسند که معلمی حرفه ای با ارزشی و معلم دارای مقامی بالا است و برای همکاران خود ارزش قائل بوده و به آنها احترام بگذارند.

تنها در این صورت است که می توانیم انتظار داشته باشیم بقیه مردم هم معلمی را حرفه ای با ارزش قلمداد کنند. به قول معروف: «کسی بخارده پشت من جز ناخن انگشت من». یکی دیگر از دلایل پایین بودن منزلت معلم، نگاه اقتصادی مقامات قانون گذار و دولتی است که خودشان تربیت شده معلمان هستند و حتی خیلی از آنها خودشان زمانی فرهنگی بوده اند. این نگاه که سبب مطرح شدن طرح هایی همچون طرح خرید خدمات آموزشی، معلم تمام وقت، ایجاد مدارس غیر دولتی و... شده است اکنون به سوی دانشگاه فرهنگیان آمده است. نگاهی که قدمی دیگر در جهت پایین آوردن اهمیت و ارزش معلمی است. حتماً همگی شما خبر نامه پر سر و صدای دانشگاه پیام نور به ریاست جمهوری را شنیده اید، نامه ای که نتیجه همان نگاه اقتصادی و کم ارزش دانستن حرفه معلمی است. هرچند این نامه تکذیب شد اما معلوم است در سر مقامات مسئول فکر هایی می گذرد که اکنون نوبت ما دانشجوی معلمان است تا از همان ابتدای ورود به عرصه معلمی اجازه ندهیم کسی مقام و منزلت معلم را به سخره بگیرد. هر قدر ما دانشجوی معلمان در دوران دانشجویی خود در جهت بالا رفتن مقام معلم تلاش کنیم و همچون ماجرای تعلق گرفتن حداقل حقوق به دانشجوی معلمان یک دل و هم صدا باشیم نتیجه آن را در سال های آینده که به عنوان معلم در کلاس مشغول تدریس به دانش آموزان هستیم خواهیم دید.

اما به راستی ما دانشجوی معلمان برای بالا بردن منزلت معلم چه کاری می توانیم انجام دهیم؟



با همه این زیبایی‌ها فیلم خالی از اشکال هم نیست. سکانس خیر آژاک سازی خرمشهر در زندان استخرک و یا سکانس شکنجه آب چوشی فیلم که به صورت اسلوموشن فیلم برداری شده اصلاً به فیلم نمی خورد. استفاده از تصاویر آرشیمی و بازسازی شده در سکانس دیدار با صدام و دخترش هم به روایت یک دست فیلم لطمه وارد کرده اما شخصیت پردازی قوی و بازی خوب نابازیگرها، آن قدر جذاب و دلکش است از آب در آمده که فیلمساز با همین هدایت موفقیت آمیز بازیگران، توانسته ضعف‌های فنی و اجرایی دیگر در کار را جبران کند. ۲۳ نفر، بیست و سه نابازیگر دارد و یک سعید آلبو عبادی در نقش ملا صالح. اهمیت حضور تک آن‌ها به اندازه دیگری ست که چیدمان این میزان سن، بسیار دشوار است...

بیست و سه نفر، جدای فیلمنامه، کارگردانی، مجموعه بازی‌ها، موسیقی (کار بسیار خوب آریا عظیمی نژاد)، یک نیاز برای سینمای ایران و یک تلنگر برای تک تک ماست. فیلمی که مخاطب را با شوخی‌ها، غم‌ها و سختی‌های خودش همراه می‌سازد و بیش از پیش این سوال را در ذهن مخاطبش تکرار می‌کند که چرا با وجود چنین قهرمان‌های واقعی، سینمای ایران تبدیل به روایت ژانرگی شخصیت‌هایی خاکستری، آپارتمان نشین و خسته و بی‌هدفی شده است...؟



بیست و سه نفر، پی‌رنگ یا به قول فرنگی‌ها بسیار جذابی دارد: داستان اسارت بیست و سه نوجوان ایرانی در زندان‌های رژیم بعث عراق. فیلم ساز با وفاداری کامل به متن کتاب این روایت دلنشین را به صورت خطی، مستقیم و کاملاً کلاسیک به تصویر کشیده است. پای بندی کارگردان در نقل وقایع و توصیف شخصیت‌ها و همچنین شناخت خوب فیلم ساز از "فرم و فضا" باعث شده که دیگر نه خبری از فیلم برداری و تدوین‌های نامتعارف و بی ربط سینمایی باشد و نه اثری از دست بردن‌های کارگردانی به متن داستان.

تسلط کارگردان به فضا، فرم، بازی‌ها و جزئیات داستان باعث شده ما در سکانس‌های اسارت یک "جمع بیست و سه نفره" ببینیم؛ حتی شوخی‌ها و خوشمزگی‌های بچه‌ها در اتاق مصاحبه با فواد به هیچ وجه از دل داستان بیرون نمی‌زند و داستان، دچار سکنه نمی‌شود. نقاط فراز و فرود شخصیت‌ها بسیار به جا هستند. با آن که به واسطه واقعه اصلی، عنصر تعدد کاراکتر امری اجتناب ناپذیر در فیلمنامه است، اما فیلمساز موفق می‌شود که به هر یک از کاراکترها در حد خود بپردازد و آن‌ها را از تیپ به شخصیت تبدیل کرده و از سطح به لایه‌های زیرین منتقل نماید. یکی از دلایلی که همان ابتدا گفتم کارگردان شجاعت مثال زدنی دارد همین است، ما در کتاب روایت بیست و سه نفر را از زبان یک راوی می‌شنویم اما در فیلم ماجراهای اسارت بین تک تک ۲۳ نفر، ملا صالح و راوی سوم شخص (دانای کل) می‌چرخد و این چرخه روایت را بسیار جذاب‌تر کرده است.

ولپرت بولت، فیلم نامه نویس بزرگ بریتانیایی، می‌گوید: من برای نوشتن فیلمنامه دکتر ژوواگو پیش از ۱۰ بار کتاب را خواندم؛ نمی‌دانستم چگونه و از کجا باید شروع کنم. کتاب را از پنجره بیرون پرت کردم و شروع به نوشتن کردم! همین سخن‌های کوتاه نویسنده آثار سینمایی عجیب و غریبی مثل لورنس عربستان (دیوید لین، ۱۹۶۲) و مردی برای تمام فصول (فرد زینه مانع، ۱۹۶۶) می‌تواند دلیل محکمی باشد بر اینج که نوشتن یک "اقتباس سینمایی" چه کار سخت و طاقت فرسایی است.

بیست و سه نفر برعکس بسیاری از فیلم‌های سینمای ایران که از مشکل بزرگ فیلمنامه رنج می‌برند؛ اتفاقاً فیلمنامه مستحکمی دارد و رخدادهای آن به اندازه اند. ما در تاریخ ۸۰ ساله سینمای کشورمان فیلم خوب اقتباس شده به تعداد انگشتان یک دست هم نداریم؛ یکی "گاو" مهرجویی را می‌شناسم که از کتاب عالی "عزاداران نیل" غلامحسین ساعدی اقتباس شده و دیگری "قصه‌های مجید" که به قلم هوشنگ مرادی کرمانی توسط پور احمد کارگردانی شده. البته آوردن نام "ناخدا خورشید" به کارگردانی ناصر تقوایی که از شاهکار ادبی ارنست همینگوی اقتباس شده خالی از لطف نیست. همیشه سه تا! برای سال‌های سال جای یک اقتباس‌تر و تمیز و صیقل خورده در سینمای ایران خالی بود که بالاخره بعد از مدت‌ها مهدی چعفری با شجاعتی مثال زدنی این کار را انجام داد و عجیب این که با تجربه بسیار کم کارگردانی توانست یکی از قصه‌گوترین فیلم‌های سال‌های اخیر را به چشمان تماشاگر هدیه دهد.





# توصیه های تغذیه سالم

نویسنده: محمد آذری، علوم تربیتی ۹۶



«مبارزه با طب سنتی از زمان شاه عباس صفوی که مقارن با ورود کمپانی هند شرقی به ایران بود در دستور کار قرار گرفت لیکن به علت مقاومت مردمی، هیئت هایی که در زمان صفویه به ایران می آمدند توفیقی به دست نیاوردند.» پزشک کمپانی هند شرقی در آن زمان فردی به نام FRYER بود در مورد این ناکامی می گوید: «این [ایرانی] ها اصلا عادت ندارند با مطالعات و تحقیقات جدید پیشرفت کنند و از این جهت، با همان تعصبی که به مقدسات متمسک هستند، به اصول طب خود چسبیده اند.» بعد از دوران صفویه و با روی کار آمدن حکومت قاجار، انتقال طب ابن سینا به طب هاروی و پاسور صورت گرفت؛ هیئت های نمایندگی که در این زمان به ایران می آمدند، اغلب پزشک بودند و به این ترتیب طب غربی به ملایمت و آهستگی در سنگرهای طب سنتی نفوذ کرد.»

آنچه خواندید بخش هایی از کتاب "تاریخ طب در ایران" نوشته پزشک سفارت انگلستان در دربار قاجار، سیریل الگود بود. سیریل الگود در ادامه «وضع قانون منع طبابت سنتی» را آخرین میخ تابوت ابن سینا معرفی کرده و می گوید: «در سال ۱۹۱۱ وضع قانون طبابت بر اساس دیپلم و مدرک صورت گرفت که می گفت: هیچکس در هیچ نقطه از ایران حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت را ندارد، مگر اینکه از وزارت معارف اجازه نامه گرفته یا تصدیق نامه از ممالک خارجه داشته باشد. بدین ترتیب آخرین میخ تابوتی که حاوی جسد مرده طب سنتی بود کوبیده شد و سمت معلمی طب ابن سینا نیز منسوخ شد.»

کتاب مستند "نه" نیز گوشه ای از همین تلاش سیصد ساله یهودیان برای از بین بردن طب سینایی را آشکار می کند و نشان می دهد که چگونه با ده اصل ساده اما اساسی "طب سنتی - اسلامی" نابود و زمینه برای ترویج و توصیه "طب جدید شیمیایی" فراهم گردید:

**اول: غیر الهی دانستن طب و کاملاً بشری و اجتماعی معرفی کردن آن**

**دوم: زیر سوال بردن و رد کردن حجامت به طور کلی**

**سوم: ترویج سزارین و زایمان های غیر طبیعی**

**چهارم: دست بردن در شیر های معمولی به وسیله افزودن انواع مواد نگه دارنده با میزان تاریخ مصرف بالا**

**پنجم: تغییر شکل و شیوه ی دستشویی کردن، شکل نشستن و حتی راه رفتن**

**ششم: ترویج انواع فست فود ها و بازتعریف سلامت معده**

**هفتم: تغییر ساختار روغن و زمان مصرف آن در طول سال**

**هشتم: اصل بی توجهی به طبع و مزاج انسان هادر توصیه و تجویز دارو ها (این از مهم ترین اشتباهات تجویزات دارویی و حتی تشخیص بیماری هاست**

**نهم: مذمت و حذف کامل نمک از سید غذایی به بهانه ی درمان فشار خون**

**دهم: تجویز بیش از حد آب درمانی و توجه بیش از حد به آب**



پُر واضح و آشکار است که این تغییر سبک زندگی، به خصوص تغذیه، با برنامه ی بلند مدت و به صورت کاملاً هدف دار صورت گرفته؛ اما به نظر زمان آن فرار سیده که با شکستن تابوی حقارت از غرب و خندیدن به ریش آنانی که همه درک و فهمشان از طب، آتش زدن کتاب و روغن بنفشه است برای سلامتی تعریف دوباره ای ارائه دهیم. این شما و این ده قدم برای حذف ده عادت ناسالم غذایی.

# این شما و این ده قدم برای حذف ده عادت ناسالم غذایی

**گام اول:** صبح را با خوردن چای سیاه شروع نکنید! چای با بر هم زدن سوخت و ساز بدن در ابتدای روز زمینه را برای انواع بیماری های کبدی و کلیوی فراهم می کند. به جای نوشیدن این چای زشت و مضر در ناشتا می توان از عسل و آرده، خرما، کره بادام زمینی و سه شیرۀ معروف (توت، انگور و خرما) که بهترین و مقوی ترین غذاهای توصیه شده برای وعده ی صبحانه هستند استفاده کرد.

**گام دوم:** آب خوردن بین غذا ممنوع! یکی از اصلی ترین دلایل ابتلا به کبد چرب خوردن آب در وسط غذا یا بلافاصله بعد از آن است. متأسفانه نزدیک به چهل درصد جمعیت کشورمان کبد چرب دارند. نیم ساعت قبل غذا و یک ساعت و نیم بعد از غذا از خوردن آب جداً خودداری کنید.

**گام سوم:** ماست بین غذا ممنوع! خوردن لبنیات از قبیل ماست و پنیر و شیر به بهانه جذب کلسیم و ویتامین D باور عمومی غلطی است. فقط بیست دقیقه ایستادن جلوی آفتاب در روز همه ویتامین D مورد نیاز بدن را فراهم می کند. اگر هم خیلی دلتان رفت و ماست خواست، آن را با مصلح خودش یعنی نعناع، آویشن، زنیان یا آیسون مخلوط و نوش جان کنید.

**گام چهارم:** تند تند غذا خوردن ممنوع! سریع خوردن یک عادت غذایی نامناسب است. در علم پزشکی یک قانون کلی وجود دارد که می گوید برای خوردن یک وعده غذایی، باید ۲۰ دقیقه زمان بگذارید که این تقریباً همان مدت زمانی است که دستگاه گوارش برای ارسال هورمون هایی به مغز جهت اعلام سیری و توقف غذا خوردن نیاز دارد. اگر در کمتر از ۲۰ دقیقه غذا خوردید، فرصت کافی برای ارسال پیام سیری به مغز را نداده اید.

**گام پنجم:** کمتر برنج مصرف کنید! غذای اکثر ما ایرانی ها در وعده ی ناهار برنج است. اضافه کردن یک قاشق غذا خوری روغن زیتون و یا کمی زیره هضم برنج را برای معده آسان تر می کند و از کند ذهنی، بی رمقی و کسل شدن ناشی از سردی بیش از حد برنج جلوگیری می کند.

**گام ششم:** در هفته هر روز یک دم نوش جدید امتحان کنید! بابونه و بهار نارنج برای ترشح هورمون دوپامین که در اثر آرامش بخشیدن به بدن ترشح می شود. دم کرده عنب و زرشک برای تصفیه خون، آویشن، زیره و دم کرده چای سبز را در میان وعده ها امتحان کنید که هم خوشمزه تر از چای سیاه هستند هم پُر خاصیت تر.

**گام هفتم:** مزاج و طبع خود را بشناسید! با یک جست و جوی ساده در اینترنت و شناخت ویژگی ها به اینکه مزاج شما در کدام یک از طبایع چهارگانه بلغمی، سوداوی، صفراوی یا دموی قرار می گیرد به سادگی می توانید برای خود یک رژیم غذایی درست بنویسید.

**گام هشتم:** غذاهای ۱۰۰ درصد مضر فست فود را کنار بگذارید! و به جای آن با نان سیوس دار، گوشت کباب شده مصرف کنید. جزء جدا ناپذیر سفره هر ایرانی نان می باشد، با خوردن نان های سیوس دار بدن را از غنی از گروه ویتامین های B Complex خواهید کرد.

**گام نهم:** سوپ های خانگی دارو هستند، قدر بدانید! سوپ قلم مرغ، سوپ شلغم و جو دو سر همراه با کمی آب غوره بهترین غذا برای خوردن در وعده شام هستند.

**و گام دهم:** میوه و سبزیجات زیاد بخورید.

## منابع

6. Bulletin of New York Academy Of medicine. Published 1973
7. The Complete Home Guide To Herbs Natural Healing & Nutrition , jill Davis
8. www.healthCare.gov
9. www.beytooteh.com

۱. کلیفورد کانر، تاریخ علم مردم، برگردان حسن افشار، صفحه ۳۰۹
۲. تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴، سیریل الگود، صفحه ی ۶۰۰ به بعد
۳. نه، محمد رضا حداد پور جهرمی صفحه ی ۱۹۹
۴. قانون، ابن سینا
۵. خبر آنلاین



# معرفی کتاب کلاه رئیس جمهور

اثر آنتوان لورین ترجمه رویا فرخشان

نویسنده: محمد الهامی

علوم تربیتی ۹۷

«کلاه رئیس جمهور، مسبب رخدادهایی بود که در چند روز پیش برای دانیل اتفاق افتاده بود. حالا دیگر مطمئن بود از لحظه ای که کلاه را بر سر گذاشته، برایش نوعی ایمنی در برابر ناملایمات روزمره به وجود آمده است، از این رو، آرام تر شده بود. ذهنش نیز فراست بیشتری بدست آورده و به او امکان داده بود تا تصمیمات مهمی اتخاذ کند. او بدون کلاه، جرات نداشت همانند آن روز در جلسه، با مالتارد صحبت کند. هرگز خودش را در طبقه هجدهم، در حال خوردن صبحانه ای از تخم مرغ های عسلی با دزمن نمی دید. او به طرز عجیبی احساس می کرد، چیزی از وجود رئیس جمهور در آن کلاه است؛ چیزی درک نکردنی، شاید یک سلول ریز که نمی توان مشاهده اش کرد؛ ولی هر چه بود، قدرت تغییر سرنوشت را داشت.»

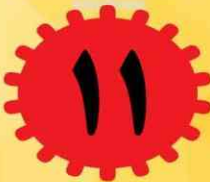
آیا کلاهی که رئیس جمهور فرانسه «فرانسوا میتران» آن را بر سر خود گذاشته است خاصیت جادویی دارد؟ دانیل مرسیه، فانی مارکوآت، پی یر اسلان و برنارد لاوالیر اعتقاد داشتند که این گونه است و آن کلاه می تواند سرنوشت انستان را تغییر دهد! گاهی اوقات زندگی شما را به مسیری متفاوت می کشاند و شما حتی متوجه نمی شوید از کدام راه گذشته اید. مکان یاب سرنوشت همیشه از مسیر تعیین شده پیش نمی رود و هیچ نشانه ای هم وجود ندارد که به شما بگوید مسیری بی بازگشت را پیموده اید. مثلث برمودای زندگی هم اسرار آمیز و هم واقعی است!

در این داستان شخصیت ها و اتفاق های واقعی وجود دارند و خواننده نمی تواند بین تخیل نویسنده و وقایع دهه هشتاد میلادی، مرزی در ذهن خود ترسیم کند و همین موضوع لذت خواندن این کتاب را دوچندان می کند.

توصیف های زیبا و دقیق نویسنده از احساسات و فضای داستان به گونه ای است که می توان چشم های خود را بست و در بین صفحات گاهی این کتاب سفر کرد و طمع زندگی در فرانسه آن زمان را چشید.

در پایان کتاب شما خود را با انبوهی از سوالات در می یابید که «آنتوان لورین»، نویسنده کتاب، به تک تک سوالات شما پاسخ داده است و اکنون شما خود می توانید قطعات این پازل را کنار هم گذاشته و ارتباطی که یک کلاه بین شخصیت های این داستان برقرار کرده است را در یابید.

من صمیمانه دوست دارم لذت خواندن این کتاب را با شما به اشتراک بگذارم و پیشنهاد می کنم مطالعه این کتاب را از دست ندهید.



# انتظار یا انفعال؟!

نویسنده: مهدی محمد فواه  
الهیات ۹۶

لله عمل لو کبریا سبح

در واقع باید انتظار را به معنای واقعی آن ترجمه کرد که مقام معظم رهبری مدظله العالی می فرمایند: "انتظار یک عمل است بی عملی نیست." (۸۴/۶/۲۹)

از جمله آسیب های این عشق انحرافات آن است که می خواهند ما فقط گوشه ای عزلت نشینی کنیم و در ورطه مناجات و دعا غوطه ور شویم! گرچه دعا کردن برای ظهور افضل است و در روایات متعدد بر مداومت بر آن تأکید شده اما دعا وقتی مؤثر واقع می شود که توام با عمل باشد. وظیفه ما در عصر غیبت معشوق، افزایش معرفت و اطلاعات خود در مورد وجود نازنین ایشان، برکات ظهور، برنامه های حکومت جهانی حضرت و.. است که اگر چنین نباشد عاشقی نکرده ایم چون در رضای معشوق- که همان رضایت خداوند متعال است- گام برنداشتیم! خودسازی، خانواده سازی، جامعه سازی و جهان سازی از محوريات وظایف ماست که در وسعت توانایی خود باید بدان عمل کرد.

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است؟  
گفتا تو خود حجابی ورنه زخم عیان است

لله عمل لو کبریا سبح

در زندگی پر اضطراب دنیا که انسان برای اندکی آرامش به هر سو سرک می کشد و هزینه ها صرف می کند؛ عشق امام، هدیه ای است از طرف خدا که آرامش وصف ناشدنی را به قلب آورده، دل را از اطمینان برخوردار می سازد. عشق صادقانه به نور دیده ی پیامبر اکرم(ص)، آرامش و تسکینی را به خانه دل روا می دارد که می تواند در کوچک ترین ارتباط قلبی با عاشقان و محبانش آن را به زیبایی حس کرد.

اینک روی سوال با عاشق دلداده راه است که چه برای معشوق کرده است؟ مگر غیر این است که هر عاشق در رضای معشوق خویش گام برمی دارد؟ حال ای عاشق درمانده، با خود بیاندیش برای آمدن یارت چه کرده ای؟

آیا فقط دست به دعا برداشتی و اشک و زاری از درد فراق مونس تو بوده یا در راهش گام نهادی تا او را به جهانیان و عالم بشناسانی که چه محبوب و دلربایی داری؟

ظهور ولی عصر ارواحنفاذیه نیز همچون حوادث و حتی مشاغل دنیا شرایطی دارد که جز با تحقق آنها نمی توان آنرا متصور شد: (۱) طرح و برنامه برای مبارزه با ناهنجاری های موجود که حضرت همراه خود دارند (۲) رهبری که وجود نازنین و مبارک امام زمان(عج) هستند (۳) یاران که ویژگی هایی دارند نظیر معرفت و اطاعت، عبادت و صلابت، جان نثاری و شهادت طلبی، اتحاد و همدلی و.. (۴) آمادگی عمومی.

# فتنه های آخر الزمان

آگاه باشید، تیره روزی ها و آزمایش ها، همانند زمان بعثت پیامبر (ص) بار دیگر به شما روی آورد. سوگند به خدایی که پیامبر (ص) را به حق مبعوث کرده، سخت آزمایش می شوید، چون دانه ای که در غربال ریزند، یا غذایی که در دیگ گذارند به هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد، تا آن که پایین به بالا و بالا به پایین رود، آنان که سابقه ای در اسلام داشتند، و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می آیند و آنها که به ناحق پیشی گرفتند، عقب زده خواهند شد. نهج البلاغه خطبه ۱۶

این کلام امیرالمؤمنین در اعلام آغاز حکومت خود است. ایشان خبر از آزمایشی سخت در آغاز حکومت خود داد. خبر از فتنه هایی که عیار آدمیان را ثابت می کند. فتنه هایی که برای پخته شدن خامی هاست، به سبب همین آزمایش هاست که حق بر کرسی خود می نشیند و باطل نابود می شود. کلام قرآن است که حق می آید و باطل نابود می شود. آیه آیه قرآن برای زندگی بشریت است. حیاتی که دنیای آن برای آخرت و آخرت آن محصول دنیاست. دنیایی که پر از تلاطم ها، پستی ها و بلندی ها، زمین خوردن و بلند شدن ها و در یک کلام پر از فتنه ها و آزمایش هاست.

در قرآن گاهی فتنه بلا و مصیبت (۲۵ انفال)، شکنجه و عذاب (۸۵ یونس) و تفرقه و گمراهی (۲۷ توبه) برداشت می شود و گاهی فراوانی نعمت (۱۶ و ۱۷ جن)، اموال و فرزندان (۵ ممتحنه) و حتی خود آیات قرآن را (۷ آل عمران) وسیله آزمایش می خواند. گاهی فتنه را به روی کار آمدن حکومت جور معرفی می کند. شجره ملعونه ای که ریشه در عالم اسلام می دواند. بوزینه هایی که از منبر رسول الله (ص) بالا می روند. در اکثر تفسیر ها ذیل آیه ۶۰ سوره اسراء آن شجره ملعونه را بنی امیه بیان کردند. حکومتی که اباعبدالله و یارانش را در صحرای نینوا به خاک و خون کشید. خاندان رسول الله را به اسارت گرفت و حرمت آن ها را زیر پا گذاشت. قرآن نه تنها برای دیروز است و نه تنها برای امروز بلکه برای کل زمان هاست. امروز هم همان فتنه ها، همان بلا ها و مصیبت ها، همان تفرقه ها، نعمت ها، شبهه ها و... وجود دارد و وسیله ی آزمایش است.

نسل بنی امیه و ابوسفیان در مقابل آل رسول الله است. این فتنه ها و آزمایش ها نشان دهنده عیار مادر مقابل تلاطم هاست. کسانی که در این سیل فتنه ها و آزمایش ها در مسیر ولایت ولی خدا قرار گرفته اند به ساحل نجات می رسند و آنهايي که کج رفتند همانند کف و حباب روی این سیل نابود خواهند شد.

خداوند در آیه ۱۷ سوره رعد می فرماید: خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر دره و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش [سیلابی] جاری شده، سپس سیلاب کفی پُف کرده را به روی خود حمل کرد و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور یا کالا و متاع، آتش بر آن می افروزند، کفی پُف کرده مانند سیلاب بر می آید این گوته خدا حق و باطل را [به امور محسوس] مثل می زند. اما آن کف [روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته] به حالتی متلاشی شده از میان می رود، اما آنچه [چون آب و فلز خالص] به مردم سود می رساند، در زمین می ماند. خدا مثل ها را این گونه بیان می کند تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند.

حضرت علی (ع) فرموده که در این سیلاب های تلاطم به دنبال کشتی نجات باشید: **أَيُّهَا النَّاسُ سَقُوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ سَقْفِنَ النَّجَاةِ**. نهج البلاغه خطبه ۵

رسول اکرم فرمودند: «مثل اهل بیت من در میان شما، چونان کشتی نوح در میان قوم اوست. هر که بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که از آن باز ماند، غرق گشت.»

امالی، شیخ طوسی، ص ۶۰

پس برای نجات باید به دنبال اهل بیت و راه آنها باشیم و این امر نیازمند ایمان، علم و عمل است.



# تاساحلِ نجات

از خدای متعال می‌خواهیم که سال ۹۹ را سال پیروزی‌های بزرگ قرار بدهد و به حضرت بقیه‌الله ارواحنا فیله که ناخدای این کشتی اوست، عرض می‌کنیم که کشور خودش را به ساحل نجات برساند و مردم مؤمن ایران را حمایت و کمک کند.

۱۳۹۹ / ۱ / ۱  
پیام نوروزی ۹۹  
عیدما

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ

سلام بر تو ای وعده تضمین شده پروردگار

شاید در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده باشد که آحاد بشری، به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم.